

فراتر از فراخوان خیابانی: چارچوب علمی کنش مدنی، اعتصاب، ریزش نیروها و هماهنگی اپوزیسیون در گذار دموکراتیک ایران

نسخه پژوهشی برای بحث راهبردی اپوزیسیون ایران

تهیه شده برای: Mr Peyman Bakhshayesh, MD, PhD, MBA

تاریخ: ۲۶ مه ۲۰۲۶

یادداشت ایمنی و حقوقی: این مقاله از منظر مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز، حقوق بشر و سازمان‌دهی اجتماعی نوشته شده است. هرگونه آسیب‌رسانی به افراد، تخریب، خرابکاری، یا دستورالعمل عملیاتی برای از کار انداختن زیرساخت‌ها از چارچوب این متن خارج است. بحث درباره نفت، انرژی، حمل‌ونقل یا دانشگاه صرفاً در قالب اعتصاب، عدم همکاری مدنی، افشاگری، مطالبه‌گری حقوقی و کاهش مشروعیت سیاسی تحلیل می‌شود.

چکیده

اگر یک جنبش سیاسی تمام ظرفیت خود را به «فراخوان خیابانی» محدود کند، هم از نظر تاکتیکی آسیب‌پذیر می‌شود و هم از نظر راهبردی قدرت فشار خود را از دست می‌دهد. ادبیات علمی مقاومت مدنی نشان می‌دهد که تغییر سیاسی پایدار معمولاً حاصل ترکیب چند محور است: حضور خیابانی، اعتصاب‌های

هدفمند، عدم همکاری اداری و اقتصادی، ریزش در ائتلاف حاکم، مستندسازی حقوق بشر، تولید مشروعیت بین‌المللی، و هماهنگی اپوزیسیون حول حداقل‌های مشترک. بنابراین، در شرایطی که شاهزاده رضا پهلوی برای بخش قابل توجهی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی نقش برجسته‌ترین چهره اپوزیسیون را دارد، مسئله اصلی نه فقط «فراخوان»، بلکه طراحی یک معماری چندلایه فشار مدنی است. این مقاله با اتکا به پژوهش‌های اریکا چنووت و ماریا استفان، نظریه کنش غیرخشونت‌آمیز جین شارپ، استانداردهای حقوق بشر سازمان ملل و ادبیات اعتصاب و آزادی انجمن، یک چارچوب علمی برای کنش‌های لازم در گذار دموکراتیک ایران ارائه می‌کند. واژگان کلیدی: مقاومت مدنی، گذار دموکراتیک، اعتصاب، نافرمانی مدنی، ریزش نیروها، حقوق بشر، اپوزیسیون ایران، سکولار دموکراسی.

۱. مسئله پژوهش: چرا «خیابان» کافی نیست؟

خیابان نقطه آشکار اعتراض است، اما الزاماً تنها یا حتی نیرومندترین ابزار فشار سیاسی نیست. رژیم‌های اقتدارگرا معمولاً برای کنترل خیابان ابزارهای سرکوب، بازداشت، قطع اینترنت، ارباب و جنگ روانی دارند. اگر جنبش صرفاً به تجمع خیابانی وابسته باشد، حکومت می‌تواند با تمرکز بر کنترل جغرافیای اعتراض، هزینه جنبش را بالا ببرد. در مقابل، مقاومت مدنی موفق حکومت را در چند میدان هم‌زمان فرسوده می‌کند: اقتصاد، اداره روزمره، مشروعیت اخلاقی، انسجام نیروهای امنیتی، و روابط خارجی.

در پژوهش کلاسیک *Why Civil Resistance Works*، چنووت و استفان نشان دادند که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز در مقایسه با مبارزات مسلحانه، در بازه تاریخی گسترده، شانس موفقیت بیشتری داشته‌اند و معمولاً ظرفیت بالاتری برای مشارکت وسیع اجتماعی ایجاد می‌کنند [1]. تبیین اصلی آن است که کنش غیرخشونت‌آمیز برای زنان، سالمندان، کارگران، کارمندان، دانشجویان، بازاریان، هنرمندان، روحانیون ناراضی، نظامیان مردد و طبقه متوسط امکان مشارکت کم‌هزینه‌تر و گسترده‌تر فراهم می‌کند.

بنابراین پرسش عملی مقاله چنین است: یک اپوزیسیون ملی‌گرا، سکولار و دموکراتیک چگونه می‌تواند فراخوان خیابانی را به یک «زنجیره فشار مدنی» تبدیل کند، بدون آن‌که وارد خشونت، خرابکاری یا اقدامات زیان‌بار برای مردم عادی شود؟

۲. چارچوب نظری: قدرت سیاسی به مثابه وابستگی حکومت به

اطاعت جامعه

در نظریه مقاومت مدنی، قدرت حکومت مطلق و مستقل نیست؛ حکومت برای بقا به همکاری روزمره گروه‌های اجتماعی وابسته است: کارگران، کارمندان، بانک‌ها، رسانه‌ها، نظامیان، معلمان، دانشگاهیان، تکنوکرات‌ها، بازار، خانواده‌ها و حتی بدنه اداری خود حکومت. جین شارپ این واقعیت را به زبان ساده‌تر صورت‌بندی کرد: اگر منابع اطاعت، همکاری و مشروعیت خشک شوند، قدرت سیاسی نیز فرسوده می‌شود [2].

شارپ روش‌های کنش غیرخشونت‌آمیز را به حوزه‌هایی مانند اعتراض و اقناع، عدم همکاری اجتماعی، عدم همکاری اقتصادی، اعتصاب، عدم همکاری سیاسی و مداخله غیرخشونت‌آمیز تقسیم می‌کند. اهمیت این طبقه‌بندی در آن است که نشان می‌دهد «اعتراض خیابانی» فقط یکی از ابزارهای جنبش است، نه کل راهبرد [2].

چنووت نیز در آثار بعدی خود تأکید کرده است که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز از چهار مسیر برتری نسبی پیدا می‌کنند: مشارکت وسیع‌تر، ایجاد شکاف در ائتلاف حاکم، افزایش هزینه سرکوب، و تولید مشروعیت داخلی و خارجی [3].

۳. اصول پایه برای یک راهبرد ملی

راهبرد موفق باید در سطح ملی، اخلاقی و عملیاتی واجد چند اصل باشد:

- اصل عدم خشونت: هدف، فلج‌کردن ماشین سرکوب از طریق عدم همکاری است، نه آسیب به انسان‌ها یا تخریب کور.
- اصل حداقل‌های مشترک: وحدت اپوزیسیون نباید به معنای حذف تنوع سیاسی باشد؛ بلکه باید بر سکولاریسم، تمامیت ارضی، انتخابات آزاد، حقوق برابر شهروندی و حاکمیت قانون بنا شود.
- اصل تکثر تاکتیکی: خیابان، اعتصاب، تحریم، افشاگری، مستندسازی، کار رسانه‌ای و لابی بین‌المللی باید مکمل یکدیگر باشند.

- اصل محافظت از مردم: هر اقدام باید از منظر خطر برای شهروندان، معیشت، بیماران، کودکان و زیرساخت‌های حیاتی ارزیابی شود.
- اصل پیام واحد: هر تاکتیک باید به یک مطالبه روشن متصل شود: پایان سرکوب، آزادی زندانیان سیاسی، رفراندوم/انتخابات آزاد، دولت انتقالی پاسخگو، و تضمین حقوق بنیادین.

۴. حوزه‌های کنش لازم

۴.۱ حضور خیابانی و نمادسازی عمومی

تجمع خیابانی همچنان مهم است؛ زیرا وجود بدنی مردم در فضای عمومی، ترس اجتماعی را می‌شکند و تصویر مشروعیت حکومت را مخدوش می‌کند. اما خیابان باید از حالت انفجاری و مقطعی به کنش زمان‌بندی‌شده، منطقه‌ای، نمادین و قابل تکرار تبدیل شود. تجربه جنبش‌های مدنی نشان می‌دهد که استمرار، انضباط، پیام واحد و روایت‌سازی تصویری، از تعداد خام تجمعات مهم‌تر است.

۴.۲ اعتصاب‌های مدنی، صنفی و اقتصادی

اعتصاب از مهم‌ترین ابزارهای عدم همکاری اقتصادی است. در حقوق بین‌الملل کار، آزادی انجمن و حق اعتصاب با هم پیوند بنیادین دارند. در ۲۱ مه ۲۰۲۶، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظری مشورتی اعلام کرد که حق اعتصاب تحت کنوانسیون بنیادین آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار حمایت می‌شود [4]. هرچند حدود و شرایط آن در نظام‌های حقوقی متفاوت است، اصل کلی آن است که امتناع جمعی از کار می‌تواند ابزار مشروع دفاع از منافع و حقوق باشد.

در ایران، اعتصاب‌های کارگری، معلمان، بازنشستگان، کامیون‌داران، پرستاران، کارمندان اداری، بازار و بخش‌های خدماتی می‌توانند هزینه حکمرانی را بالا ببرند. با این حال، اعتصاب باید اخلاقی و اجتماعی طراحی شود: خدمات اورژانس، درمان بیماران، دسترسی به دارو، آب، برق و نیازهای پایه مردم نباید قربانی شوند. هدف اعتصاب مدنی، فشار بر حکومت است، نه مجازات جامعه.

۴.۳ نفت، انرژی و زیرساخت: از خرابکاری تا عدم همکاری امن

بخش نفت و انرژی در ایران از نظر درآمدی و نمادین اهمیت راهبردی دارد. اما هرگونه تخریب، انفجار، دستکاری عملیاتی، یا آسیب به تأسیسات می‌تواند خطر جانی، زیست‌محیطی، اقتصادی و حقوقی جدی ایجاد کند و همچنین به حکومت امکان دهد جنبش را «خشونت‌طلب» معرفی کند. بنابراین زبان راهبردی باید از «خرابکاری زیرساختی» به «اعتصاب، افشاگری، امتناع از همکاری در سرکوب، گزارش فساد، تحریم مدیریتی، و مطالبه شفافیت» تغییر کند.

کارکنان صنایع حساس می‌توانند از ابزارهای کم‌خطر و غیرخشونت‌آمیز استفاده کنند: بیانیه‌های جمعی، اعتصاب محدود و اعلام‌شده، کندسازی اداری بدون ایجاد خطر ایمنی، افشای فساد و انتقال اطلاعات حقوق بشری به نهادهای معتبر. هر اقدامی در حوزه انرژی باید اصل ایمنی عمومی، عدم آسیب به شهروندان و رعایت استانداردهای صنعتی را مقدم بداند.

۴.۴ ریزش ارتش، سپاه، بسیج و بدنه اداری

ریزش نیروهای امنیتی و اداری در بسیاری از گذارها نقطه عطف است. پژوهش‌های مقاومت مدنی نشان می‌دهد که کنش غیرخشونت‌آمیز در مقایسه با خشونت، ظرفیت بیشتری برای ایجاد تردید اخلاقی در نیروهای سرکوب و شکاف در ائتلاف حاکم دارد [3]. اگر نیروهای مسلح جنبش را خشونت‌طلب ببینند، احتمالاً پشت دستگاه سرکوب منسجم‌تر می‌شوند؛ اما اگر جنبش خود را ملی، فراگیر، غیرانتقامی و حافظ تمامیت ارضی معرفی کند، امکان ریزش افزایش می‌یابد.

پیام به نیروهای نظامی و انتظامی باید دقیق باشد: «مردم دشمن شما نیستند؛ وظیفه شما دفاع از ایران است، نه دفاع از یک جناح حاکم. از تیراندازی، شکنجه، بازداشت غیرقانونی و سرکوب شهروندان خودداری کنید. اسناد دستورهای غیرقانونی را حفظ کنید. در کنار مردم و قانون آینده بایستید.» این پیام باید با تضمین‌های گذار، عدالت انتقالی، تفکیک آمران از مأموران، و وعده عدم انتقام کور همراه شود.

۴.۵ دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان و دانشگاه

نهاد آموزش از نظر نمادین و اجتماعی اهمیت ویژه دارد. تحریم کلاس، اعتصاب دانشگاهی، بیانیه‌های استادان، تجمع‌های آرام، تولید محتوا، کلاس‌های آزاد شهروندی و شبکه‌های کمک به بازداشت‌شدگان می‌توانند هزینه فرهنگی حکومت را بالا ببرند. با این حال، باید مراقب بود که کودکان و نوجوانان در معرض خطر مستقیم قرار نگیرند. نقش دانش‌آموزان باید بیشتر نمادین، فرهنگی، خانوادگی و محافظت‌شده باشد، نه خط مقدم خطر.

۴.۶ مستندسازی حقوق بشر و سازوکار پاسخگویی

سرکوب بدون مستندسازی می‌تواند در تاریکی بماند. دفتر حقوق بشر سازمان ملل در راهنمای پایش حقوق بشر تأکید می‌کند که گزارش عمومی و مستند می‌تواند نقض‌ها و مسئولیت‌ها را روشن کند، هشدار زودهنگام فراهم آورد و مبنایی برای اصلاحات و جبران خسارت قربانیان باشد [5].

در مورد ایران، مأموریت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل درباره جمهوری اسلامی ایران پس از اعتراضات ۱۴۰۱/۲۰۲۲ ایجاد شد و گزارش‌های آن بر نقض‌های جدی حقوق بشر، از جمله سرکوب اعتراضات، بازداشت‌های خودسرانه، خشونت جنسی و جنسیتی و مسئولیت‌پذیری مقامات تأکید کرده‌اند [6]. بنابراین اپوزیسیون باید یک نظام استاندارد برای ثبت شهادت‌ها، تصاویر، زمان و مکان وقایع، نام قربانیان، نام مأموران، زنجیره فرماندهی و حفاظت از شاهدان داشته باشد.

۴.۷ دیاسپورا، لابی بین‌المللی و مشروعیت خارجی

دیاسپورا می‌تواند سه کار کند: اول، تبدیل صدای داخل کشور به دستور کار رسانه‌ها و پارلمان‌ها؛ دوم، حمایت از تحریم‌های هدفمند علیه ناقضان حقوق بشر؛ سوم، فراهم کردن پشتوانه فکری برای دولت انتقالی. اما دیاسپورا نباید جایگزین جامعه داخل شود. نقش درست آن، تقویت، ترجمه، شبکه‌سازی، حقوقی‌سازی و بین‌المللی کردن مطالبات داخل است.

۴.۸ اتحاد اپوزیسیون: ائتلاف حداقلی، نه انحلال هویت‌ها

اپوزیسیون ایران متکثر است: مشروطه‌خواه، جمهوری‌خواه، لیبرال، سوسیال‌دموکرات، ملی‌گرا، فدرالیست، سکولار، مذهبی منتقد، زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، کارگران و دانشجویان. اتحاد واقعی زمانی ممکن است که به جای حل همه اختلافات تاریخی، بر حداقل‌های گذار تمرکز شود. این حداقل‌ها عبارت‌اند از: پایان جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم حقوقی، انتخابات آزاد، برابری شهروندی، آزادی احزاب، آزادی رسانه، استقلال قوه قضاییه، و تصمیم‌نهایی مردم درباره شکل حکومت در صندوق رأی.

۵. جدول راهبردی اقدامات مدنی غیرخشونت‌آمیز

حوزه اقدام	هدف راهبردی	ابزارهای مجاز و غیرخشونت‌آمیز	ریسک‌ها	شاخص سنجش موفقیت
خیابان	شکستن ترس و نمایش مشروعیت اجتماعی	تجمع آرام، شعار واحد، نماد مشترک، فیلم‌برداری امن	سرکوب، بازداشت، قطع اینترنت	تداوم، پراکندگی جغرافیایی، روایت رسانه‌ای
اعتصاب کارگری و صنفی	افزایش هزینه حکمرانی	اعتصاب اعلام‌شده، بیانیه اتحادی، توقف خدمات غیرحیاتی	فشار اقتصادی بر خانواده‌ها، اخراج	تعداد بخش‌های مشارکت‌کننده، صندوق حمایت از اعتصاب
نفت و انرژی	کاهش درآمد و مشروعیت مدیریت بدون خطر ایمنی	اعتصاب امن، افشای فساد، امتناع از همکاری سرکوبگرانه	خطر ایمنی، برچسب خرابکاری	بیانیه‌های جمعی، اسناد فساد، کاهش همکاری سیاسی

حوزه اقدام	هدف راهبردی	ابزارهای مجاز و غیرخشونت‌آمیز	ریسک‌ها	شاخص سنجش موفقیت
نیروهای نظامی/امنیتی	کاهش ظرفیت سرکوب	دعوت به عدم تیراندازی، حفظ اسناد، نافرمانی از دستور غیرقانونی	تصفیه داخلی و مجازات	موارد علنی یا پنهان امتناع از سرکوب
دانشگاه و مدرسه	تولید مشروعیت فرهنگی و شبکه جوانان	اعتصاب دانشگاهی، کلاس آزاد، بیانیه استادان، حمایت از بازداشت‌شدگان	خطر برای نوجوانان و دانشجویان	تعداد دانشگاه‌ها، کیفیت شبکه‌سازی، حمایت خانواده‌ها
حقوق بشر	افزایش هزینه بین‌المللی سرکوب	ثبت شهادت، زمان/مکان، هویت قربانیان، ارسال به نهادهای معتبر	افشای هویت شاهدان، جعل اطلاعات	کیفیت اسناد، پذیرش توسط نهادهای حقوق بشری
دیاسپورا	فشار دیپلماتیک و رسانه‌ای	لابی پارلمانی، رسانه، تحریم هدفمند ناقضان، حمایت مالی شفاف	تفرقه و رقابت نمادین	قطعنامه‌ها، جلسات رسمی، پوشش رسانه‌ای
ائتلاف اپوزیسیون	تبدیل اعتراض به بدیل سیاسی	منشور حداقلی، شورای هماهنگی، سخنگویان موضوعی	رقابت شخصی و ایدئولوژیک	پیام واحد، تقسیم کار، اعتماد عمومی

۶. مدل مرحله‌ای برای گذار مدنی

یک جنبش ملی نمی‌تواند همه ابزارها را هم‌زمان و بدون ترتیب به کار ببرد. راهبرد مرحله‌ای، هزینه را

مدیریت می‌کند و از پراکندگی جلوگیری می‌کند:

- مرحله اول - اجماع پیام: تعریف شعارها و مطالبات حداقلی؛ نفی خشونت؛ تأکید بر تمامیت ارضی و انتخابات آزاد.
- مرحله دوم - شبکه‌سازی صنفی: ارتباط میان کارگران، معلمان، دانشگاهیان، بازاریان، پزشکان، پرستاران و کارمندان.
- مرحله سوم - اعتصاب‌های نمادین و کوتاه: اعتصاب‌های چندساعته یا یک‌روزه با پوشش رسانه‌ای و صندوق حمایت.
- مرحله چهارم - اعتصاب‌های چرخشی: فشار تدریجی در بخش‌های غیرحیاتی برای جلوگیری از فروپاشی خدمات عمومی.
- مرحله پنجم - ریزش و عدم همکاری اداری: تشویق کارمندان و نیروهای امنیتی به عدم اجرای دستورهای غیرقانونی.
- مرحله ششم - بدیل سیاسی: اعلام چارچوب دولت انتقالی، عدالت انتقالی، انتخابات آزاد و تضمین حقوق همه گروه‌ها.

۷. نقش احتمالی شاهزاده رضا پهلوی در این معماری

اگر شاهزاده رضا پهلوی برجسته‌ترین چهره اپوزیسیون باشد، ارزش راهبردی او در صرفاً فراخوان خیابانی خلاصه نمی‌شود. نقش مؤثرتر می‌تواند «هماهنگ‌کننده نمادین» و «تضمین‌کننده حداقل‌های گذار» باشد. یعنی او باید پیام واحد، اعتماد عمومی، ارتباط با دیاسپورا، شبکه‌سازی بین‌المللی و اطمینان به نیروهای مردم داخل ساختار قدرت را هم‌زمان تقویت کند.

در این چارچوب، یک رهبری مؤثر باید به جای فرمان‌های کلی و احساسی، بسته‌های مشخص کنش مدنی

ارائه کند: هفته حقوق بشر، هفته اعتصاب معلمان، روز سکوت بازار، کمپین عدم همکاری با سرکوب، منشور

حمایت از نیروهای جداشده، و سازوکار جمع‌آوری شفاف کمک به خانواده زندانیان و اعتصاب‌کنندگان. این اقدامات باید به صورت امن، غیرخشونت‌آمیز و قابل تکرار طراحی شوند.

۸. خطرات راهبردی و خطاهای پرهزینه

- خشونت‌ورزی و خرابکاری می‌تواند هم مشروعیت اخلاقی جنبش را تضعیف کند و هم به حکومت بهانه سرکوب گسترده‌تر بدهد.
- فراخوان‌های مکرر بدون پشتیبانی سازمانی، اگر به نتیجه نرسند، سرمایه روانی جامعه را فرسوده می‌کنند.
- اختلافات اپوزیسیون اگر در رسانه‌ها به جنگ شخصی تبدیل شود، پیام اصلی علیه جمهوری اسلامی را می‌پوشاند.
- بی‌توجهی به معیشت اعتصاب‌کنندگان باعث می‌شود اعتصاب‌ها پایدار نمانند؛ صندوق‌های شفاف حمایت حیاتی‌اند.
- اغراق در آمار یا انتشار اسناد تأیید نشده می‌تواند اعتبار حقوق بشری جنبش را آسیب بزند.
- بی‌توجهی به اقلیت‌ها، زنان، کارگران و طبقات محروم می‌تواند جنبش را به پروژه طبقه متوسط خارج‌نشین تقلیل دهد.

۹. توصیه‌های اجرایی در سطح سیاست‌گذاری اپوزیسیون

- برای تبدیل اعتراض به فشار سازمان‌یافته، اپوزیسیون باید از ادبیات کلی به طراحی نهادی حرکت کند. پیشنهادهای زیر در سطح سیاست‌گذاری قابل طرح‌اند:
- تشکیل «ستاد هماهنگی مقاومت مدنی» با کمیته‌های جداگانه برای اعتصاب، حقوق بشر، رسانه، دیاسپورا، دانشجویان، کارگران و ارتباط با نیروهای جداشده.
 - تهیه منشور حداقلی گذار با امضای طیف‌های مختلف اپوزیسیون؛ متن باید کوتاه، حقوقی و قابل دفاع بین‌المللی باشد.

- راه‌اندازی سامانه امن و استاندارد برای مستندسازی نقض حقوق بشر، با آموزش حفاظت از هویت شاهدان.
- ایجاد صندوق شفاف حمایت از خانواده زندانیان، اعتصاب‌کنندگان و اخراج‌شدگان، با حسابرسی عمومی و گزارش دوره‌ای.
- تدوین تقویم کنش مدنی: روزهای نمادین، اعتصاب‌های مرحله‌ای، کمپین‌های رسانه‌ای و ارتباط با پارلمان‌های خارجی.
- طراحی پیام ویژه برای ارتش، سپاه، بسیج، پلیس و کارمندان دولت با تأکید بر عدم انتقام کور و عدالت مبتنی بر قانون.
- تولید بسته‌های آموزشی کوتاه درباره نافرمانی مدنی، حقوق بازداشت‌شدگان، امنیت دیجیتال عمومی و اصول گزارشگری حقوق بشر.

۱۰. نتیجه‌گیری

برای به زانو درآوردن یک حکومت اقتدارگرا، خیابان لازم است اما کافی نیست. فشار مؤثر زمانی شکل می‌گیرد که خیابان به اعتصاب، اعتصاب به عدم همکاری، عدم همکاری به ریزش نیروها، ریزش نیروها به بحران مشروعیت، و بحران مشروعیت به بدیل سیاسی تبدیل شود. مقاله حاضر نشان می‌دهد که راهبرد علمی برای ایران باید چندلایه، غیرخشونت‌آمیز، سازمان‌یافته، اخلاقی و قابل سنجش باشد.

در چنین راهبردی، شاهزاده رضا پهلوی - اگر بخواهد نقش برجسته رهبری اپوزیسیون را به یک ظرفیت ملی تبدیل کند - باید از سطح فراخوان عمومی فراتر رود و به هماهنگی نهادها، حفاظت از اعتصاب‌کنندگان، تدوین منشور حداقلی، جلب ریزش نیروهای حکومت، و تولید مشروعیت بین‌المللی کمک کند. اپوزیسیون نیز باید بپذیرد که گذار دموکراتیک نه با یک اقدام واحد، بلکه با معماری هوشمندانه فشار مدنی ممکن می‌شود.

منابع و رفرنس‌ها

- [1] Chenoweth, E., & Stephan, M. J. (2011). Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict. Columbia University Press. همچنین خلاصه <https://cup.columbia.edu/book/why-civil-resistance-works/9780231156837/>: ناشر
- [2] Sharp, G. (1973). The Politics of Nonviolent Action. Boston: Porter Sargent. فهرست ۱۹۸ روش کنش غیرخشونت‌آمیز: https://commonslibrary.org/wp-content/uploads/GeneSharp_198Tactics.pdf
- [3] Chenoweth, E. (2021). Civil Resistance: What Everyone Needs to Know. Oxford University Press. درباره منطق مشارکت وسیع و ریزش Harvard Kennedy School گفت‌وگوی <https://www.hks.harvard.edu/behind-the-book/erica-chenoweth-civil-resistance>: نیروها
- [4] International Court of Justice / International Labour Organization. Advisory Opinion on the Right to Strike under the Freedom of Association and Protection of the Right to Organise Convention, 1948. Reuters, 21 May 2026: <https://www.reuters.com/business/world-at-work/un-top-court-says-workers-have-right-strike-under-main-labour-law-treaty-2026-05-21/>
- [5] Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). Manual on Human Rights Monitoring, Revised Edition. <https://www.ohchr.org/en/publications/policy-and-methodological-publications/manual-human-rights-monitoring-revised-edition>

[6] United Nations Human Rights Council. Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran. صفحه رسمی مأموریت:

<https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/ffm-iran/index>

[7] International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), Articles 21 and 22: right of peaceful assembly and freedom of association. OHCHR text:

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

[8] Ackerman, P., & Merriman, H. (2010). The Trifecta of Civil Resistance: Unity, Planning, Discipline. openDemocracy:

<https://www.opendemocracy.net/en/trifecta-of-civil-resistance-unity-planning-discipline/>

[9] International Center on Nonviolent Conflict (ICNC). Chronicling Civil Resistance.

<https://www.nonviolent-conflict.org/wp-content/uploads/2021/04/Chronicling-Civil-Resistance.pdf>

[10] Amnesty International. Iran: UN expands Fact-Finding Mission's mandate in landmark development to address human rights crisis, 3 April 2025.

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/04/iran-un-expands-fact-finding-missions-mandate-in-landmark-development-to-address-human-rights-crisis/>